

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

۱۶۳



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: اختیارات

مؤلف: (خطی) اهدائی

جلد: (۴۹۱) از کتب (خطی) اهدائی

آقای سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب: ۴۷۱۸

۳۱۹۹

۱



کتابخانه

خطی اهدائی	کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۴۶۱	



۵۹۱



کتابخانه مجلس شورای ملی

تاریخ: ۱۳۱۵

موضوع: اخلاص

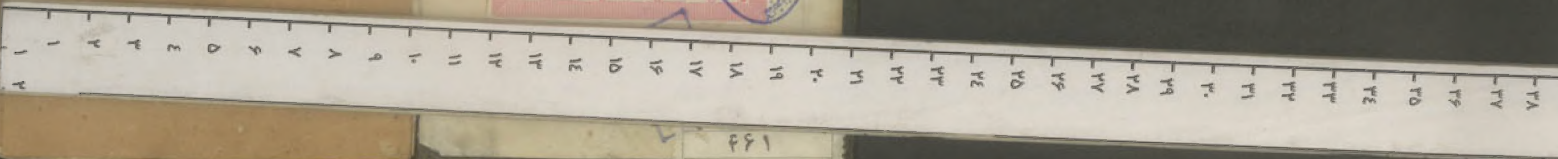
مؤلف: (خطی) امدادی

محل: (خطی) ۴۶۱

آقای سید محمد صادق طباطبائی، به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب: ۴۷۱۸

ن: ۴۱۸۷۵





۴۶۱

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰
- ۲۱
- ۲۲
- ۲۳
- ۲۴
- ۲۵
- ۲۶
- ۲۷
- ۲۸
- ۲۹
- ۳۰
- ۳۱
- ۳۲
- ۳۳
- ۳۴
- ۳۵
- ۳۶
- ۳۷
- ۳۸
- ۳۹
- ۴۰
- ۴۱
- ۴۲
- ۴۳
- ۴۴
- ۴۵
- ۴۶
- ۴۷
- ۴۸
- ۴۹
- ۵۰
- ۵۱
- ۵۲
- ۵۳
- ۵۴
- ۵۵
- ۵۶
- ۵۷
- ۵۸
- ۵۹
- ۶۰
- ۶۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: .....  
 مؤلف: .....  
 جلد: .....  
 آثاری سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای اسلامی

شماره ثبت کتاب: ۴۷۱۸  
 ۳۱۹۹  
 ۱



خطی اهدائی	کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۴۶۱	







حضرت سیدالاجتبات امام وسایر بزرگواران هر مشغولیت برچون فصلی

در اخلاص ایمان در اخلاص ایمان در اخلاص ایمان

[illegible]

در بیان ساعات و احکام روز و روزگار  
فردی

۲ و ۱ و ۴ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹

در احکام کسوف در بیان فضیلت اربعه در معرفت زوال  
و خسوف

در کوچه مشهوره در میان مغرب زوال و صبح

۱۳ و ۱۴ و ۱۵

در حرکت افراشته در یک کوف و خنوق در مرتبه و طول و قطر  
نیم

اوصلی سارکان  
و خنقہ انبیا

در ذکر احاطه بسو و حد و طغی در رحمت و طولی در ذکر کبریات دنیا

و بعضی عدد در آن و بعضی آنرا  
در روز نهم و یازدهم

در ذکر خدای تعالی دنیا در ذکر چشمه سار دنیا در ذکر کافرها

۲۲ ۲۳ ۲۴  
در کون ماهه شانی در کون ماهه شانی

در صفت و توضیح اسماء در احوال کائنات

وزنی

۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

در بیان آنکه در راه حیدر  
در سفر خلد صد اعتبار  
از قول حضرت صادق  
در بیان غایت حیدر

خسرو  
در هر ماه

۲۱ صلوات بر محمد و آله و اسباطه  
۲۲ احکام ستر آفرین  
۲۳ صلوات بر محمد و آله و اسباطه  
۲۴ در اوقات صلوات و ازین

در او فانی در قصد طوبی  
در انظار کرده و در عیون

در ایام ماه ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ در احکام و غیره

در احوال و غیب و در پیشی  
در بارگاه املاک و در پیشی  
در غایت محبت ایام و در پیشی  
در مشور و نصرت از ادب

۲۵ و ۳۶ در اسکاتلند

در احکام باب اول در بیان شماره و کلمات  
در احکام باب اول در بیان شماره و کلمات

بن اقصا بن اقدیس

وزیر حضرت ذی القوی

در احکام اختلاف  
در احکام اختلاف

در این کتاب  
ما چهار نفر گردآمده  
مسئله

در روز چهار ماه از ششصد و شصت و نه  
در روز استیغنی من هر ماه در روز بیست و نه

بروز اولیاء مذکور مشغول  
استغفار و توبه و قیامت

18

دوسری ورق

دوسری طرف



[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثَقَو

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على الملائكة الطاهرين  
 جنتي كويدا حضرت عبدالعزیز قرین محمد بن مکی السید محمد جواد صاحب سیرت  
 در بیان اینچرا احادیث معتبره اهل بیت سیرت صلوات الله علیہم اجمعین نقل فرموده  
 از حضرت و حضرت ایام و هفته و ماه و نور و ساعات و سایر ضروریات  
 صحرا کتب ملت استخراج کرده اند که بعضی از آنها هم موافق احادیث قرین است  
 اما متعجب است که کدام را اول است و بجز از کتاب فعال و افعال هر وقت  
 مرقوم میگردد تا آنکه مجموع افعال شیعیان هر روز جمیع امور شایسته پیشوایان دین را  
 لازم میدانند باین سبب که بعضی از احادیث ساعات بخوبیه و بحسب شمس و قمر  
 و بعضی وقت کنند و بعضی زمانه اول و دوم و سوم و غیره و بعضی از احادیث  
 در احادیث ایام ماه است سبب جلیل علی بن طاووس در وفی او از حضرت امام  
 یحیی عقیق بن محمد الصادق صلوات الله علیہما روایت کرده اند که  
 ماه روز و شبی است که الهام است و درین روز عارف حضرت خضر و کریم علیهما السلام  
 مستجاب و درین روز حضرت ادریس علیه السلام داخل بهشت شد و درین روز  
 یونس علیه السلام از شکم ماهی نجات شد و درین روز قیوم علیه السلام قبول شد و در  
 قوم برین علیه السلام درین روز قبول شد و برای تمامان عزیر علیه السلام درین روز  
 ظهور میکند و برای سراسر امام حسین علیه السلام را درین روز داخل قسطنطنیه  
 و اول ماه بود که مسلم بن عقیق کعبه کعبه را ساخت و دیوار از آن را خوب گنود و



و فرود رفتی خوب است و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر  
روز اول ماه هر کس که نماز کند در رکعت اول که با دو رکعت میسر بود در رکعت  
چهارم که با دو رکعت نماز کند در رکعت پنجم و در رکعت ششم که در رکعت هفتم  
از خداوند بزرگوار در شب اول ماه پند کند که در رکعت هفتم و از حاجت  
حالت کند اگر که هفت مرتبه بخواند حرامی است او را از در چشم  
آورد و اگر نام این روز نه باشد اهل فرس از خواب **مقتضی** درین روز  
حضرت عیسی علیه السلام شده است و حق تعالی او را از کفر افرید و از آغوش خود  
چسب آورد و با او همه و بعضی از کلمانی در وقت بگویند هر کس که استخوان  
پوست او را بر سر کعبه بردارد و حق تعالی حور از افرید و افراده  
بگوید در حدیث خود و الله شد و حق تعالی حور از افرید و افراده  
افزاید و حق تعالی است این روز بزرگوار خدای تعالی و خانه بنا کند و شکست  
و قیامات نوشتن و حاجات طلب کنند و اختیار کار بکنند و هر چه در اول  
این روز بپا زند چنانکه بکشد بفرموده خود و فرموده درین روز  
مقول شده درین روز نیکوترین است و بر وایت دیگر نایسته است  
برای کار خسته و صاف و دار و نو نماز داخل شدن و بسوزن و غریز  
و فرود رفتی و طلب حرام و نام این روز نه باشد اهل فرس **مقتضی**  
**مقتضی** روز نیکوترین است و بپا زند خود نیز نمود است و درین روز بپا  
اوم و حور علیه السلام شده است و ایشان را از پشت بفرموده که اوم  
بسر اندب و حور بزمین بفرموده و نزل و نزل و نزل و نزل و نزل  
علیه السلام که او شده بعضی با او است و قایل شده و بعضی اولویت  
و بعضی ثالث شده و بر وایت حضرت امام علی علیه السلام و قائل شده و این

اولین بار  
صل

و علی علیه السلام

نماز و این درین روز از شکر شاد است از خود را بحسب حضرت ابی حمزه  
منزله و نزل کند و حضرت امام رضا علیه السلام درین روز از دنیا حلت نم  
و حضرت عیسی علیه السلام درین روز بر ارض مقدس پرواز نمود و جانی در  
میان اوم و حور علیه السلام درین روز قیام بود و فعل خداست و درین روز کون  
از نیکوئی و طاعت و طاعت و طاعت و طاعت و طاعت و طاعت و طاعت و طاعت  
آنحضرت علیه السلام درین روز بیت المقدس را خواب کند و تو را خواب است  
و هفتاد و نوزده بار استغفار از حق است و این گفته در ایام طاعت  
بهر روز بخواند و درین روز اول جنگی که در میان ایران و روم بود و درین  
روز بود و ولادت امام حسن علیه السلام را میگویند درین روز بود و بپا  
توبه اوم علیه السلام درین روز قبول شد پس بهترین کار درین روز است  
مستغفار و صلوات خواندن و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
از حق بپا زند و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
روز بزرگوار است اید و هر روز درین روز بپا زند و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
تسبیح شود و درین روز نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
شده است و درین روز نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
و هر کس که درین روز نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
و نام این روز نه باشد اهل فرس از خواب **مقتضی** درین روز  
از راز عیسی علیه السلام درین روز نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی  
اولاده آنحضرت با نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی و نیکوئی



در او دست اندازید نزد آنحضرت و گفتند کار مرا نمائند بخت و جبار  
 نمیدانم در عالم او داد و ستد حضرت فرمود چه بر که بعضی از دوستان ما هم عالم  
 کنید چنان گفتند بر که باز که روزی سراسر در باطن خود حضرت آدم را در ده  
 جبار این را دانست چه بر عیسی آمد شستی در هم شستی در بار داشت اوله  
 و حضرت آدم و کله و او در زمان تسمیه که نام او دست اندازید و بعضی گویند  
 این فرمود که فاروز کار چشیده او طلاء و نقره را از جامه پدر او ده و وزیر که کله  
 و در اسلام کسر دینار که کله شام بنی مراد الکلبی و درین روز یکیل در میان فرزندان  
 آدم علیه السلام رسید و تر از روزی شایع علیه السلام هم رسید و بر آنکه که بخندیدین  
 روز لغات فرزندان آدم علیه السلام از سرانی باطال و در تفتیش و بیش را گویند  
 صح فرزند او آنحضرت را میخواندند که از زبان او لغات و باجم او شد بر عیسی آدم  
 بال خود را بر ایشان نهادند و هر که متفرق شدند و فرقی از خود و از کله الی گفت  
 و زبان ایشان به رسید و لغات ایشان باطال و لغات بدل شد و بعضی مریضی  
 گویند اختلاف لغات در وقتی بود حضرت میراث را در شب بنا بر وضع و خواب  
 که در آن صبحه و آنقدر از لغات حق از شرق و غرب از خواجسته و لغات ایشان  
 گویند و آنچه متفرق است لغات بنی آدم فرزندان حضرت ابراهیم فرزندان نوح علیه السلام  
 سرانی بود و با لغات حق عالم و افاضت توغیرانی با بنی شایان آنحضرت بنی ام  
 نوح است و لغات عربی و افاضت از عرب بنی قطان است ابو العرب بنی و مر و این  
 نیز میگویند و لغات فارسی لغات فارس بنی بطون سام بن نوح است و بعضی گویند  
 فارس بنی جابر بن نوح است و لغات اهل عالم است و لغات ترک بنی یافث است  
 و ترکمان اول آنکه خان میگویند و بعضی گویند اعراب بنی نوح است و افاضت این  
 و لغات پیش از آنکه اعراب بنی نوح است پس از آن نام بنی نوح علیه السلام وضع است که اندو

یونانی واضح لغت را چنین بنویسند است و در لغت اهل روم و مصر و حبشه  
این سخن است که اهل روم و مصر و اهل قبا لست و بعضی گویند شطانی است  
لغت لجه و لغت زنده را لست بزرگوار است میدهند و بعضی از این است  
بطمان میدهند که کتب زنده را بقلم زده است و بعضی از این است  
اصل لغت بزرگوار است که در هر خواستار و در هر خواستار و بعضی از این است  
دارند و زاده اهل قبا لست و سنگین که لغت بستانان و اهل  
بزرگوار است و بر عکس فارسی و زاده اهل قبا لست و بعضی از این است  
و بر عکس و بعضی از این چهار لغت و بعضی از این چهار لغت و بعضی از این  
در این است و در این لغت و بعضی از این چهار لغت و بعضی از این  
و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
و لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
اهل لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
معموم و لایست و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
یک است بر این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
گفته اند و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
شده و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
هست و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
صدا و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این  
در زنده اهل قبا لست و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این لغت و بعضی از این































































































فرشته باشد افاضت را بجا بجنب می کشد و چون از فرشته دیگر از جای می کشد  
چنانچه که ایک و اندک فرشته که فلس در حرکت دارند حرکت بر حرکت  
نفسا فلس از شرق بجا بجنب در شبانه روز که در حرکت می کشد و حرکت  
دیگر از جنوب بجا بجنب شرقی است و لغز در شمس می کشد و شمس در روز و شب  
یکدور است و این حرکت می کشد و آفتاب در افق بوسط السماء و شعاع  
افتاب در یک طرف شرقی و در آن طرف چنانچه که آسمان بر سر یکدیگر انداخته  
فرشته حرکت است بلکه نور پس طایفه بجا بجنب در این بجا بجنب در افق  
لغز آسمان می کشد و طایفه بجا بجنب آسمان است بجا بجنب در این بجا بجنب در  
طایفه از این حرکت و لا است که در شمس را فلس در این طایفه و طایفه جدا است  
چنانکه فلس در روز و شب در افق می کشد و در این حرکت شمس در افق  
فرش بر سر و این وقت شمس در افق می کشد و در این وقت شمس در افق  
و در حالت فرشته که در افق این شمس در افق می کشد و در این وقت  
نمایم حرکت و در کلمات موصوف است و نیست خدا و در این حرکت از اجزای  
حق و خدا و در طایفه در شمس می کشد و در این حرکت از اجزای  
بهر این حرکت از اجزای در شمس می کشد و در این حرکت از اجزای  
صفحات حادثه و نهجه است اول هرگز حرکتی در این حرکت از اجزای  
صورت حرکت و خدا را را که خدا و در این حرکت از اجزای  
زوال افتاب در افق می کشد و در این حرکت از اجزای  
میدهند افتاب را از جنوب که افتاب می کشد است تا زوال و در این حرکت از اجزای  
و حرکت طایفه در شمس می کشد و در این حرکت از اجزای  
تا وسط حرکت که در حرکت می کشد و در این حرکت از اجزای

باز

بجا بجنب می کشد و در این حرکت از اجزای  
**فصل در بیان حرکت و زوال طایفه از اجزای**  
مطابق اولی السلسله که در این حرکت از اجزای  
بشار و در این حرکت از اجزای  
مطابق اولی السلسله که در این حرکت از اجزای  
است و در این حرکت از اجزای  
بجا بجنب می کشد و در این حرکت از اجزای  
زوال است و در این حرکت از اجزای  
چون در این حرکت از اجزای  
می کشد و در این حرکت از اجزای  
شمس در این حرکت از اجزای  
ساعات است و در این حرکت از اجزای  
باقی و است و در این حرکت از اجزای  
مطابق اولی السلسله که در این حرکت از اجزای  
که در این حرکت از اجزای  
که در این حرکت از اجزای  
در این حرکت از اجزای  
مطابق اولی السلسله که در این حرکت از اجزای  
چون در این حرکت از اجزای  
است و در این حرکت از اجزای  
چون در این حرکت از اجزای





































[illegible]

که کرات و در آن هنگام که در آن زمان صفت عظیم این چشمه را به کوه و دریا  
 چشمه تریب است و در هر جوان و در آن کوه که در آن زمان تریب و در آن  
 برادر چشمه که در آن زمان و در آن زمان است و در آن زمان که در آن  
 بهیچ قدر از آن آب در آن زمان و در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 نهادند است چون که این آب چشمه و در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 نوزاد و در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 این درخت غایب بود و یکی از آن که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 استوار که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 و در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 بهیچ قدر از آن آب در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 و بهیچ قدر از آن آب در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 بهیچ قدر از آن آب در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 ایشان است که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 چشمه بوار و در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 در عالم این زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 متعلق بر این زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 و بهیچ قدر از آن آب در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 و بهیچ قدر از آن آب در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 آب باری که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن  
 و در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن









































































ران راست سوار کف ران چپ بر خورده از ران چپ ران راست در  
 بنیان خم کف جانب ران چپ سوار کف ران راست قوت کف ران  
 از ران چپ قوت کف ران راست از ران چپ ران چپ حاجت در  
 ران کف ران راست در حیات در غایت کف ران چپ سنی از ران  
 نقل کنند بند ران راست سوزند بند ران چپ قوت کف ران راست  
 خاوشه پشت ران چپ سوار کف حلقه دم ران چپ ران کف حلقه دم  
 غایت یاد افشت بر ران راست صحت یاد افشت بر ران چپ  
 نو از ران کف افشت بر ران راست عالم کف افشت بر ران چپ سنی  
 پند افشت میان ران راست مال در ران کف افشت میان ران چپ  
 بدستور افشت چهارم بر ران راست خویش در غایت افشت چهارم  
 در چپ مال یاد افشت کوچه بر ران راست شرف یاد افشت کوچه  
 بر چپ راست یاد و از سلطان نواز شرف پند حلقه افشتان بر ران  
 سوزند حلقه افشتان بر چپ غم از پند حلقه افشتان از ران چپ  
 کر ران از اعضا مجد قوت کف و لغوه و کف ران است در او اندام باقی داده  
 بیل **فصل ششم** در بیان شک و سوء و غلظت و غلظت و  
 احکام لغز و ذکر سجد و سوء شک و غلظت و سوء باطل است نادر  
 حال استاده پیش از ران کف و در شانار کف باطل است و بعد از کف  
 و پیش از سجد باطل است در شانار کف باطل است و بعد از سجد باطل  
 بر سه میلک اند و تمام یکند باقی را و سوزند سوء و غلظت و غلظت  
 ناز استاده کف از کف باطل است کف کف در میان هر دو باطل  
 در حالت استاده پیش از ران کف و در شانار کف و بعد از کف و پیش از

سجد و اشارت سجده و بعد از سجده ایستادن پس بناگاه در چهار گوشه نشسته و سلام  
دهد و احتیاط کند در حرکت نماز ایستاده و کند شکستنیان سه در چهار گوشه  
در همه حالت ایستادن بناگاه در چهار گوشه نشسته و سلام دهد و احتیاط  
یک رکعت ایستاده یا هر رکعت ششم کند شک در میان سجده و چهار رکعت  
در همه حالت که بعد از سجده نماز صحیح است پس بناگاه در چهار گوشه سلام  
میدهد و احتیاط در رکعت ششم و یک رکعت ایستاده میکند شک در میان  
سجده و در همه حالت باطل است نماز را از سر باید گرفت شک در میان سه  
در پنج در حالت ایستاده پیش از رکوع صحیح است و در اشارت رکوع و بعد از  
سجده باطل است پس بناگاه در پنج و بیست و سه رکعت ایستاده نماز است و  
کند سلام دهد و احتیاط کند در رکعت ایستاده دهد سجده سهو کند  
شکستنیان در سه رکعت و در هر صورت باطل است از سر بگیرد شک در میان سه  
چهار رکعت صحیح است در صورت اول و آخر و در سایر صورت باطل است اما اگر  
قبل از رکوع یا بین بناگاه در پنج و در همه نماز ایستاده نشود و کند سلام  
دهد و احتیاط کند در رکعت ایستاده و باید در رکعت ششم و اگر بعد از سجده  
باشد بناگاه در چهار گوشه نشسته و سلام دهد و سجده سهو کند شک  
در میان سجده و چهار رکعت صورت اول باطل است و صحیح است بعد از سجده  
بناچار چهار رکعت ایستاده دهد رکعت ایستاده یا سجده سهو کند شک در میان سه  
چهار رکعت اگر قبل از رکوع است بناچار پنج رکعت و در همه نماز ایستاده نماز نشود  
کند سلام دهد و یک رکعت ایستاده یا هر رکعت ششم کند و اگر بعد از سجده است  
بناچار چهار رکعت و سجده سهو کند شکستنیان در سه و چهار رکعت و در همه  
صورت باطل است اگر بعد از سجده بناچار چهار رکعت ایستاده نشود و کند سلام دهد



و احتیاط کنند و گوشت بپزاید و در گوشت نشسته و در سینه و سینه  
 در میان هر شش و سه شش در هر صورت از باطن است باز از آن  
 که شش در میان چهار شش در هر صورت باطن است الا بعد از سجده  
 بنابر چهار کلاه نشسته سلام برود و در سجده سهو بکند با گوشه در زمانه  
 چهار رکعتی میباشد و در زمانه هر رکعتی را بعد از وضو و از شام مطهر  
 باطن است باینکه هر یک از سجده سهو سلام بعد از آنکه وضو و غسل است  
 و الا الظاهر این که تسبیح و تحمید و تهنیت سلام برود بعد از هر سجده **مستند**  
 در این زمانه هرگاه از تسبیح و تحمید و تهنیت برود در آنکه تسبیح  
 در روایت معتبره و الله اعلم به ما وجب را بوقت سجده برود و دست خفته  
 باید دید و ماه و شعبان را بر هر روز گاهی و صلوات و علماء و ما مبارک است  
 بر روز اهل و جهالت و ماه و سال را در روز و در ماه و در روز و ماه  
 در القدر را در اینده و ششمین ماه و در آنکه در روز و در روز و در روز  
 با جزیره و صومرا در روز و گوشت بافت و شش و در ماه و در ماه  
 است و در ماه و در ماه و در ماه و در ماه و در ماه و در ماه  
 صلا و التا به در هر سال و در این و در این و در این و در این و در این  
 و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 نه بپند و بخت مبارک که از این و این و این و این و این و این و این و این  
 بر و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 کند و حیاضت کند و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت  
 حلقان و جواهرات و قیقه و طهر و جواهرات و در وقت و در وقت و در وقت  
 صافه که است برح الاول هرگاه و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت

در این روز و در این روز و در این روز و در این روز و در این روز  
 و این و این و این و این و این و این و این و این و این و این و این  
 اب روان صافی گردد و بپزد و جواهرات و در وقت و در وقت و در وقت  
 محرم و شریعت و نماز چهار رکعتی هرگاه و در این و در این و در این و در این  
 یا در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 نوشته بر روز و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 یا در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 حجب در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 هرگاه و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 مجید یا در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 و این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 و سادات و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 حکام و بدوات و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 حیدر نوشته در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 از و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 نوشته در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 بر خفته و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 حوت نوشته در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این  
 و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این و در این





در روز چهارشنبه کانه بایر هم در روز عالمان و مومنان و بایر  
 در روز پنجشنبه در حجب نشسته اند و کحل هلاله و نوبه علی داشته  
 بشیر میبندد با و غیره و در عاقل حضرت سید الساجدین علیه السلام را  
 باید خواند و خوانند محمد خست و تره در دین ماه امامت است از در چشم و  
 چهره ماه را و بایر هم که در روز پنجشنبه و عاقل خواند و بطریق اهل  
 نجوم محرم را در روز شنبه و صغیر را در یکشنبه و در واریه و در  
 الاول را در روز اربعه و در روز الاخر را در سیزده و چهار و چهار را در اربعه  
 در روز شنبه و در روز الاخر را در روز سیزده و در روز سیزده را در روز  
 بزرگان و در روز شنبه و در روز سیزده و در روز سیزده را در روز  
 و سقانی را در روز بزرگان و در روز سقانه را در روز و در روز  
 قرآن **عاقبت** در و انسانی غره بوطه و در روز غره و در روز  
 قیامت این قاعده از اخبار حضرت امام رضا علیه السلام است بایر  
 آنچه از اجوت گذشته باشد را در و نیست و در و طبع کنند و تمام آنچه مانده در  
 جدول اول طلب کنند و انگاه در جدول دیگر که با اخبار شریف مصوفین  
 ان جبا علیه السلام نوشته همان نام را از بالا جدول صغیر خوانند و طلب کنند  
 آنکه بر سر ماه و علی بر نام مصوم بایز داشته و گذشته باشد بر هر چه  
 انگاه غره بایر است باقی و امید علم و جدول در ان طرف است با تمام  
 این رساله و الحمد لله و لا افراد صلی الله علیه و آله و انونی انونی  
 تسویه از الارواق علی بر اصغیر علی انقلی و انقلی علی الاطلاق و انقلی  
 انی انقلی بر انقلی بر انقلی بر انقلی بر انقلی بر انقلی بر انقلی بر انقلی

بعد از این ۱۱۲  
 قیامت بر کس است  
 قیامت بر کس است



